

### متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام و ادب خدمت جنابعالی در کتاب سیر حکمت در اروپا فروغی ص ۲۹۱ میگوید اسپینوزا در رساله بهبودی عقل در مورد وجه چهارم عقل یعنی وجدان و شهود میگوید در واقع علم حضوری است و بالاترین مرتبه معرفت است بلکه مرتبه حقیقی همان است که از ان راه حقایق مستقیما بر ذهن مکشوف گردد و محتاج به واسطه نباشد و علم به ذات واجب الوجود به این قسم از معرفت دست دهد الی اخر از این نوشته فروغی بر میاید که اسپینوزا به خداوند معتقد بوده است و ظاهرا قائل به وحدت وجود و موجود بوده است و این بر خلاف آنچه میباشد که جنابعالی در جزوه تاریخ فلسفه غرب درباره اسپینوزا بیان فرموده اید البته من نمیدانم درک فروغی از مطلب درست بوده است یا نه؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: همان طور که در جزوه‌ی تاریخ فلسفه در مورد اسپینوزا عرض کردم، تفکر اسپینوزا چند پهلوست و تفسیرهای مختلفی از اندیشه‌ی او شده. مسلّم شواهد کلام اسپینوزا اجازه نمی‌دهد که ما آن را قائل به وحدت وجود و موجود بدانیم. ظاهرا جناب آقای فروغی حرف اسپینوزا را با حرف وحدت وجود تطبیق داده نه این که واقعا چنین باشد. منبع بنده در مورد اسپینوزا حرف کاپلستون است که آقای جواهرالکلام ترجمه کرده. کاپلستون در مقایسه با آقای فروغی بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر است. موفق باشید.